

تأثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران

حمیدرضا قدسی راد^۱، میثم موسایی^۲، باقر ساروخانی^۳

چکیده

هرجامعه ای در روند توسعه خود به طور اجتناب ناپذیری با درجه ای از آسیب ها و مسایل اجتماعی مختلف روبرو است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران است. این بررسی می تواند میزان کارآمدی توسعه اقتصادی را آشکار ساخته و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص کند. سپس نظریات صاحب نظران کلاسیک و نظریه پردازان جدید در زمینه توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه شده و از مجموع این مطالعات، شاخص هایی برای بررسی اثر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران انتخاب شد. این پژوهش به روش اسنادی و آماری در دوره زمانی سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ صورت گرفته است. برای آزمون فرضیه ها از آزمون های همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان می دهند که بین توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران ارتباط معنی داری وجود ندارد هرچند با افزایش میزان توسعه یافتگی تا حدودی بر میزان نابرابری اجتماعی افزوده شده است. این مطلب حاکی از آن است که کلان شهر تهران در مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی می باشد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، نابرابری اجتماعی، کلان شهر.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: hamid.ghodsi2012@gmail.com)

^۲ استاد گروه علوم برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (Email: mousaai@ut.ac.ir)

^۳ استاد گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران، ایران (Email: sarokhani@ut.ac.ir)

مقدمه

مسئله توسعه اقتصادی^۱ زمینه بزرگ‌ترین مبارزه انسان در نیمه دوم قرن بیستم بود؛ مبارزه‌ای که بین طبقات جوامع بر اساس سطح توسعه اقتصادی آن‌هاست. یکی از مقوله‌های مهم اجتماعی که در معرض تاثیر مستقیم و غیرمستقیم مسیر توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد، وضعیت تحصیل یا آموزش، بهداشت و درمان، اشتغال، فقر و درآمد افراد جامعه است. تغییر در توزیع درآمد و فرصت‌ها و میزان کاهش فقر، بازتاب مجموعه‌ای از تعامل سیاست‌ها و نهادهاست. بیشتر جوامع در حال توسعه هم‌ت خود را صرف دست‌یابی به بیشترین رشد در کم‌ترین زمان کردند. گرچه در این رقابت جوامع متعددی به نرخ‌های بالایی از رشد دست یافتند، اما بیکاری، فقر و نابرابری اجتماعی کاهش نیافت، و از همه مهم‌تر، بسیاری از ارزش‌های والای انسانی در تعارض با آن قرار گرفت. امروزه با این که ساخت روابط اقتصادی ایران از حالت بسته و معیشتی به صورت اقتصاد گسترده، باز و کالایی درآمده است، با این حال از رشد و توسعه برنامه‌ریزی شده و موزون برخوردار نیست (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۴۸). به این ترتیب، نظام اجتماعی آسیب‌پذیر ایران در طول تاریخ با تاثیر پذیری از عوامل بیرونی به شدت آسیب‌پذیرتر شده و موجب گسترش توسعه اقتصادی- اجتماعی ناموزون و در نهایت موجب بروز شکل‌گیری مسائل و معضلات اجتماعی گوناگونی شده است. این مسائل و معضلات اجتماعی مانند فقر، بیسوادی، بیکاری و ناهنجاری‌ها، در نهایت باعث بروز نابرابری‌ها از جمله نابرابری اجتماعی می‌گردد (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۸۰).

یکی از مشکلات اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، تعیین روش‌هایی است که دولت به کمک آن بتواند منابع جامعه را به گونه‌ای اختصاص دهد که رشد اقتصادی، سبب افزایش نابرابری درآمدها در جامعه نشود. توزیع درآمد همراه با رشد اقتصادی یکی از دغدغه‌های اقتصادی دولت است که در طرح سامان‌دهی و برنامه‌های توسعه سال‌های پس از انقلاب اسلامی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. با تغییر الگوی اشتغال در کشور و تبدیل اقتصاد کشور به اقتصاد نفتی، الگوی پراکندگی جمعیتی کشور نیز تغییر کرد و نقاط شهری روزه‌روز گسترده‌تر و پرجمعیت‌تر شدند (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). شهرهای بزرگ جهان در عصر جدید به محل تراکم و رشد جمعیت، محل تبادل کالا، اشیا و اطلاعات تبدیل گشته اند (فتحی، ۱۳۹۱). در مقابل، به دلیل ایجاد شبکه‌های ارتباطی جهانی با شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته، طراحان و شهرسازان تنها به انجام یک رشته تغییرات ظاهری بسنده کرده و چهره مادر شهر را بدون توجه به زیربنای تاریخی، صنعتی و زندگی اجتماعی مردمش تغییر دادند (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). به علاوه، این مساله تا حدی به دوگانگی زیستی در شهر و بروز یک شیب طبقاتی منطبق با شیب جغرافیایی آن دامن زد (همان: ۱۸۱). جامعه شهری در تهران عمیقاً قطب‌بندی شده است (مدنی پور، ۱۳۸۰: ۱۶۱). قطب‌بندی اقتصادی^۲ و به تبع آن قطب‌بندی اجتماعی^۳ تشدید شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی اثر کارکرد توسعه اقتصادی بر میزان نابرابری اجتماعی و به دنبال آن ایجاد فقر و بیکاری، و نحوه توزیع خدمات درمانی، بهداشت، آموزش و تحصیل در کلان‌شهر تهران است. این بررسی می‌تواند میزان کارآمدی توسعه اقتصادی را آشکار ساخته و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص سازد. از این رو بررسی دایره گسترده تاثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی که اکنون از بعد محدود جغرافیایی به بعد جهانی کشیده شده است، مستلزم بررسی و تحقیق دقیق است. لذا این پژوهش بیشتر در پی بررسی و شناخت و تحلیل همین رابطه است.

مبانی نظری و ادبیات موضوع

اگر قرار باشد که پیشینه را به معنای متونی که از منظری بسیار کلی به بخش‌هایی از موضوع مرتبطاند در نظر بگیریم، در آن صورت باید گفت به طور کلی در زمینه بخشی از موضوع تحقیق پیش‌رو مطالعات اندکی صورت پذیرفته است. حال به شرح مختصری از این تحقیقات انجام گرفته می‌پردازیم.

¹ Economic Development

² Economic polarization

³ Social polarization

رابینسون^۱ (۱۹۷۶) فرضیه U وارون^۲ را به اثبات می‌رساند که براساس آن، در روند توسعه اقتصادی، توزیع درآمد ابتدا بسیار نابرابر است، و تنها در مراحل بعد متعادل‌تر می‌شود. این روند در کشورهای در حال توسعه نیز دیده شده است و به عنوان یک قانون اقتصاد مطرح شده است که توسعه اقتصادی را به پیش می‌برد.

گلر^۳ و موآو^۴ (۲۰۰۲) در پژوهش خود عنوان می‌کنند که نابرابری در آغاز گذر از انقلاب صنعتی به توسعه اقتصادی مدرن، با هدایت منابع به سمت اشخاصی که گرایش نهایی آن‌ها به سمت پس انداز بیشتر است، فرایند توسعه اقتصادی را سرعت می‌بخشد. در مراحل بعدی گذر به رشد مدرن، نابرابری اثر مغایر محدودیت‌های مالی را بر تجمع سرمایه انسانی کاهش داده و فرایند توسعه را پیش می‌برد. خراسانی و عظیمی‌هاشمی (۱۳۸۹)، شرایط علی نابرابری‌های درآمدی در ایران را در یک دوره شصت و چهارساله مورد بررسی قرار دادند. ایشان در نتایج خود عنوان می‌کنند که شروط لازم (منفرد) نابرابری درآمدی در ایران نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی، شرط لازم برابری درآمد، و قدرت دولت و وابستگی نیز هر یک شرط لازم نابرابری درآمد محسوب می‌شوند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته باید عنوان کرد که تا کنون در ایران هیچ تحقیق و پژوهشی در مورد تأثیر کارکرد توسعه اقتصادی بر هر یک از مولفه‌های نابرابری اجتماعی بطور مشخص صورت نگرفته است و این پژوهش اولین تلاش برای بررسی این ارتباط می‌باشد.

نظریه‌های توسعه اقتصادی

در جامعه معاصر، نوسازی عمیقاً با توسعه اقتصادی مشخص و معین می‌گردد و توسعه اقتصادی به نوبه خود ناشی از جریان صنعتی شدن می‌شود که این نیز نتیجه پیشرفت فن آوری است. توجه به نقش و اهمیت توسعه اقتصادی نمی‌تواند مبین اعتقاد و تسلیم به نوعی جبرگرایی مطلق اقتصادی و تکنولوژیکی باشد. این مسئله غیر قابل انکار است که این عامل اقتصادی است که به عنوان موتور اصلی و شرایط اساسی توسعه کلی جوامع عمل می‌نماید. در واقع در روند نوسازی، صنعتی شدن به مثابه وسیله‌ای کاربردی و یا حتی به عنوان هدف اساسی عمل می‌نماید که انگیزه‌ها، و نیروها به گرد آن جمع می‌شوند و نیز به نام آن مسئولیت سیاسی و کنترل‌ها و مقررات قضایی وضع می‌گردد و به همین ترتیب در جهت پاسخ به نیازهای جابجایی جمعیت‌ها صورت گرفته و شکل زندگی و سازمان اجتماعی دگرگون می‌شود. بدین ترتیب اهمیت عامل اقتصادی و فن آوری در دگرگونی‌های اجتماعی که مدت زمانی طولانی ناشناخته بود، اکنون کاملاً روشن و بدیهی می‌نماید (روشه، ۱۳۷۸: ۱۶۷). حال به دیدگاه‌های نظریه‌های توسعه اقتصادی در این خصوص می‌پردازیم. اسمیت معتقد بود که گسترش بازار تولید، امکان تقسیم کار بیشتر را به وجود می‌آورد و زمینه افزایش رشد را مهیا می‌سازد. به همین جهت توصیه می‌کند که هر کشوری برای افزایش تولید، لازم است بازار خود را گسترش دهد (روزبهان، ۱۳۷۱: ۶۱). اسمیت اگر چه به ابعاد مادی عوامل توسعه بسیار اهمیت می‌دهد ولی ابعاد اخلاقی، اجتماعی و انسانی آن را فراموش نمی‌کند. در خصوص تقسیم کار، او ضمن ارائه تحلیل کاملی از فواید آن و ارتباط تنگاتنگ تقسیم کار و وسعت بازار و اثر آن در رشد ثروت و درآمد به زیان‌های تقسیم کار به لحاظ انسانی نیز توجه دارد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

ریکاردو در تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی، فکر خود را به جای تولید، متوجه توزیع می‌کند. او با بحث در مورد توزیع محصول و درآمد زمین بین سه طبقه مالک، سرمایه‌دار و کارگر آغاز می‌کند (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). به هر حال نکته اصلی اختلاف اساسی بین اسمیت و ریکاردو این است که اسمیت روی «تولید»^۵ و ریکاردو روی «توزیع تولید»^۶ تأکید دارد. به نظر ریکاردو جریان توزیع نامناسب باعث اخلال در امر تولید و توقف رشد آن می‌شود (روزبهان، ۱۳۷۱: ۶۵).

¹ Robinson

² Inverted u

³ Galor

⁴ Moav

⁵ Production

⁶ Distribution of production

مالتوس معتقد است که اقتصاد قبل از رسیدن به اوج رونق و رشد خود دچار افت هایی خواهد شد. به عقیده وی روند توسعه اقتصادی یک جریان ساکن خطی نیست و لذا همواره دچار پستی و بلندی های زیادی است (قره باغیان، ۱۳۷۳: ۵۳). در بعد توزیع، به سه عامل تقسیم دارایی زمین داران، بازرگانی خارجی و داخلی و سرانجام حفظ نسبت معینی از کارگران مولد در افزایش ارزش تولید توجه می کند (متوسلی، ۱۳۸۲، ۱۹۵).

جان استوارت میل^۱ از توسعه اقتصادی بمثابه تابعی از زمین، کار و سرمایه یاد می کرد (قره باغیان، ۱۳۷۳: ۱۴۵). او تحلیل مسائل اقتصادی و به ویژه مباحث مربوط به توزیع را در چارچوب وسیع تری از فعالیت های اجتماعی مورد بررسی قرار داد. میل در ابتدا به قدرت شگرف فناوری و تسلط انسان بر طبیعت پی می برد و خواستار تحولات نهادی برای بهبود وضعیت عمومی مردم و تکیه بر خلاقیت آن ها در مبارزه با محدودیت های طبیعی می گردد. او عامل زمینه ساز ظهور خلاقیت را وجود امنیت عمومی به ویژه امنیت اقتصادی می داند (متوسلی، ۱۳۸۲: ۲۰۵). در حالی که زمین و کار دو عامل اصلی تولید هستند، سرمایه از ذخایر قبلی تمرکز یافته از کار است. ثروت ملت تنها زمانی افزایش می یابد که زمین و سرمایه به کمک یکدیگر تولید را با نرخ سریع تر از نیروی کار افزایش دهند (قره باغیان، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

این ایده که توسعه اقتصادی فرایندی تدریجی و مداوم است، در دیدگاه های مشهورترین اقتصاددانان نئوکلاسیک ها یعنی آلفرد مارشال مورد توجه قرار گرفته است. آگاهی از طبیعت ارگانیک و تکاملی نظام اقتصادی، مارشال را بر آن داشت تا در تبیین اصول و مبانی نگرش خود به جای تحلیل مکانیکی و ایستا از مصادیق بیولوژیک استفاده نماید. وی اقتصاد را به لحاظ بنیان های طبیعی آن «ارگانیک» دانسته، «پیشرفت» با تکامل صنعت و جامعه را «رشد ارگانیک» قلمداد می کند و به کارگیری واژه هایی صرفاً در قالب افزایش یا کاهش را برای بیان این پدیده ها مناسب نمی داند. بنابراین به کارگیری فنون تعادل ایستای بخشی به منظور تجزیه و تحلیل اجزای مختلف فعالیت های اقتصادی توسط مارشال توجیه پذیر می شود. این تفسیر نئوکلاسیک ها از توسعه اقتصادی به معنی نفی نوآوری های عظیم فناورانه در قرن نوزدهم نیست، بلکه بدین معناست که اختراعات و نوآوری ها در صناعی نظیر حمل و نقل، نساجی، کشاورزی، زغال سنگ و آهن خود نتیجه انباشت تدریجی دانش فنی در علوم مختلف و تکامل آن ها طی فرایندی تاریخی و مداوم بوده، اگر چه در مقاطعی خاص تولد و ظهوری ناگهانی در ابزارها و امکانات مورد استفاده در یکی از بخش ها مشاهده شده است. پیشرفت فناوری کاهش قیمت ها را به دنبال خود می آورد. در نتیجه تقاضا برای کالاها و به تبع آن تقاضا برای نیروی کار افزایش می یابد و بنابر این دستمزدها سیر صعودی می یابند. پیشرفت فناوری از طرف دیگر، موجب افزایش عمومی سطح درآمدها برای تمامی گروه ها و اقشار می گردد؛ در حالی که در مدل کلاسیک ها افزایش سطح درآمدها، اختلاف و تفرق بین گروه های مختلف اجتماعی را سبب می شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت نظریه کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها برای حل مشکلات کشورهای در حال توسعه دچار محدودیت های زیادی است.

نظریه های نابرابری اجتماعی

بحث نابرابری اجتماعی، به شدت با قضاوت های ارزشی درهم آمیخته است. یکی از دلایل عمده آمیختگی بیش از حد بحث نابرابری با قضاوت های ارزشی، شاید این باشد که معیار ابراز نظر درباره نابرابری، چیزی نمی تواند باشد جز «برابری». در عرصه علوم اجتماعی «برابری» در دو معنا به کار می رود: نخست به معنای برابری در ثروت های مادی؛ و دوم دارا بودن موقعیت یکسان با سایر افراد از لحاظ برخورد و رفتاری که با فرد می شود. معنای جامعه شناختی برابری، در واقع به معنای برخورد و رفتار یکسان یعنی حالت دوم است (ملک، ۱۳۷۲: ۱۰۳). در این بخش، نظریه های نابرابری اجتماعی مرتبط با هدف این بحث مورد توجه قرار گرفته است. حال به دیدگاه های نظریه های نابرابری اجتماعی در این زمینه می پردازیم.

¹ John Stuart Mill

دورکیم که پایه اصلی مکتب کارکردگرایی^۱ ساختاری را بنا کرده، با نادیده گرفتن پدیده‌هایی هم‌چون طبقه و قدرت و تضاد و تغییرات، تحلیلی از نابرابری و علل آن ارائه می‌دهد که بسیار با نظریه‌های دیگران متفاوت است (گرب، ۱۳۷۳: ۹۷). هم‌چنین خیلی بیشتر از آن چه به طور معمول گفته می‌شود، راجع به نابرابری اجتماعی نوشته است (همان: ۹۸). دورکیم تأکیدش بر این است که بررسی جامعه باید موضوعش را جدا از موضوع‌های دیگر در نظر گیرد و پدیده‌های اجتماعی را به عنوان موضوع خاص خود برگزیند. دورکیم با طرد تفسیرهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی، توجهش را به عوامل اجتماعی - ساختاری تعیین‌کننده مسایل اجتماعی انسان معطوف ساخته بود (کورز، ۱۳۸۰: ۱۸۷). او اصرار داشت که هر پدیده اجتماعی باید در قالب اجتماعی آن تجزیه و تحلیل شود. امیل دورکیم معتقد بود که پدیدارهای اجتماعی به مثابه‌ی واقعیت‌های اجتماعی بوده که می‌تواند در معرض مطالعه‌ی علمی در جامعه‌شناسی قرار بگیرد (ادیبی، انصاری، ۱۳۸۷: ۶۸).

به عقیده دورکیم مسئله مبارزه طبقاتی و بی‌عدالتی در توزیع قدرت در نظام سرمایه‌داری واجد اهمیت است، ولی او آن را به طور عمده در بطن پرسشی تحلیل کرد که برای وی مقدم‌تر و اساسی‌تر بود: ساختارهای اجتماعی که در آن مبارزه طبقاتی و قدرت شکل می‌گیرد، چگونه به وجود می‌آیند و مقوله پایدار و مستمرتری را شکل می‌دهند که جامعه نام می‌گیرد، در حالی که نیروهای متضاد و تقسیم‌کننده بسیار زیادی قادرند آن را از بین ببرند؟ بدین ترتیب، دورکیم بر پیوستگی یا همبستگی^۲ تریبات اجتماعی تأکید کرده است (گرب، ۱۳۷۳: ۹۹).

چندین عنصر اصلی آرای دورکیم عبارتند از تمایزی که وی بین تقسیم کار به هنجار و تقسیم کار آنومیک^۳ و اجباری^۴ قایل می‌شود و نقش دولت به مثابه قیم اخلاقی جامعه جدید و مبحث خاص اقتصاد و ظهور گروه‌های شغلی و همبستگی و نابرابری اجتماعی در جوامع آینده است (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

در تاریخ اندیشه اجتماعی، هیچ متفکری به اندازه مارکس به مبارزه میان طبقات اجتماعی و اقتصادی متخاصم چونان عامل اصلی و مسلط در تبیین جامعه بها نداده است (تامین، ۱۳۸۸: ۶). مارکس «تاریخ تمام جوامع که تاکنون موجود بوده‌اند را تاریخ کشمکش طبقاتی» می‌داند (باتومور، ۱۳۶۷: ۲۲). این نخستین فکر قطعی مارکس است. خصوصیت تاریخ بشری نبرد گروه‌های بشری است که ما آن‌ها را طبقات اجتماعی می‌نامیم (آرون، ۱۳۷۷: ۱۶۸). جامعه به طور کلی بیش از پیش به دو اردوی بزرگ متخاصم، به دو طبقه بزرگ - طبقه سوداگر و طبقه کارگر - تقسیم می‌شود که مستقیماً و بی‌واسطه رو در روی یکدیگر قرار دارند (باتومور، ۱۳۶۷: ۲۵). هیچ متفکری به اندازه او به این مبارزه چون منبع دگرگونی اجتماعی اهمیت نداده است. هیچ نظریه‌ای به اندازه نظریه‌ای که او در باره طبقات اجتماعی عرضه کرده است، تأثیری طولانی بر اندیشه جامعه‌شناختی معاصر نداشته است (تامین، ۱۳۸۸: ۶). نظریه مارکس در باره نابرابری اجتماعی را می‌توان پر نفوذترین و چالش برانگیزترین نظریه جامعه‌شناختی دست کم برای حدود یک قرن و نیم یعنی از آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم تا دهه پایانی قرن بیستم خواند (زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۹۲).

شالوده اسلوب مارکسی شناخت نابرابری که از دریچه تضاد و کشمکش طبقاتی به آن نگریسته می‌شود، درک مبانی و شکل‌های مالکیت است (زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۹۲). مهم‌ترین تفاوت، بین آن عده‌ای است که مالک و کنترل‌کننده دارایی‌اند و آن عده‌ای که مالک و کنترل‌کننده دارایی نیستند. شکاف اساسی، بین طبقه مالک و دارا و آن‌ها که مالک و دارا نیستند همیشه وجود داشته است، گرچه در طول تاریخ اشکال مختلفی به خود گرفته است: برده‌دار در برابر برده در دوران باستان، ارباب در برابر رعیت در دوران فئودالیزم و بورژوا^۵ در برابر پرولتاریا^۶ در نظام سرمایه‌داری. به طور مسلم، می‌توان تقسیم‌ها و تمایزهای جزئی‌تری در هر دوره تاریخی ترسیم

¹ Functionnalism

² Solidanty

³ Anomic

⁴ Forced

⁵ Bourgeois

⁶ Proletariat

کرد؛ با وجود این، به عقیده مارکس الگویی که مبتنی بر دو طبقه است، در فهم چگونگی ساختار جوامع و چگونگی تغییر آن‌ها بسیار مهم می‌نماید (گرب، ۱۳۷۳: ۲۹).

درخشان‌ترین تحلیل طبقاتی مارکس نه فقط به خاطر محتوای بدیع جامعه‌شناختی آن، بلکه هم‌چنین به خاطر نفوذ گسترده آن بر روی آراء جامعه‌شناختی بعدی در این حوزه است. فرایندی از تمایزات طبقاتی شکل می‌گیرد که متضمن مبارزه میان گروه محکومان و گروه حاکمان است. مطالعات مارکس تاثیر عمیقی در اندیشه‌های قرن نوزده و بیست گذاشت؛ به گونه‌ای که اکثر صاحب نظران اجتماعی - اقتصادی این دو قرن، تحت تاثیر افکار وی قرار گرفتند. مباحث اساسی که مارکس در آن زمان طرح کرد، هم اکنون نیز در بین صاحب نظران اجتماعی - اقتصادی مورد توجه است.

و بر سه نوع قشربندی را از هم تفکیک می‌کند: طبقات اجتماعی به معنای خاص، سلسله مراتب منزلت‌های اجتماعی، و بالاخره سلسله مراتب قدرت‌های سیاسی (قائمی زاده، ۱۳۸۶: ۵۴). وی طبقه را متفاوت با نظر مارکس تعریف می‌کند: «ما زمانی از طبقه صحبت می‌کنیم که (۱) شماری از مردم برخوردار از یک عنصر تعیین کننده، مشترک در رابطه با فرصت‌های زندگی باشند، (۲) مادامی که این عنصر، منحصر را بر گیرنده منافع اقتصادی افراد از طریق تملک کالا و فرصت‌های درآمدی، (۳) تحت شرایط بازار کار یا بازار کالا باشد» (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

نقد و بررسی مباحث نظری

پس از برجسته ساختن عناوین اصلی در نظریه‌های توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی، حال ما در وضعیت مناسب‌تری قرار داریم که به این سوال پاسخ دهیم که توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی چیست و چگونه باید آن را نگریم. با وجود این روشن است که هیچ جواب منفردی را نمی‌توان پذیرفت، چرا که هیچ دیدگاه منفردی نمی‌تواند همه مطالب را در برگیرد یا تمامی اختلاف نظرهای نظریه پردازان را حل کند. با این حال برخی دیدگاه‌ها هستند که در بسیاری از مطالب اگر نگوییم اکثریت آن‌ها، در مباحثی با هم شریک هستند. همان طور که ملاحظه می‌کنیم هیچ تئوری در زمینه توسعه مسلط نبوده است. در مجموع می‌توان رهیافت‌های مذکور را در دو دیدگاه نظری خلاصه کرد. دیدگاه اول گرایش به تبیین درونی توسعه یافتگی دارد که پارادایم مدرنیزاسیون نماینده این دیدگاه است. در این دیدگاه عوامل و موانع توسعه نیافتگی به داخل نسبت داده می‌شود. در مقابل دیدگاه اول دیدگاهی قرار دارد که گرایش به تبیین بیرونی توسعه نیافتگی دارد. در این دیدگاه عوامل و موانع توسعه نیافتگی عمدتاً به خارج نسبت داده می‌شوند. با توجه به نارسایی‌های فوق باید الگوهای برای توسعه مطرح شوند که علل و ریشه‌های توسعه نیافتگی جوامع در حال توسعه را شناسایی و به جای تاکید بر مسائل موقتی و ارائه راه حل‌های آنی به طور بنیادی مسائل مذکور را بررسی کنند و راه حل قطعی را ارائه دهند، تا برای حل مشکلات اینگونه جوامع تعدیل‌های لازم در تفاوت‌های بی‌جا بین کشورهای مختلف صورت گیرد و وضع مطلوبی در جهان حاکم شود. البته هیچ تحلیلی در این زمینه کامل نخواهد بود، چرا که همیشه به دلیل پیدایش مفاهیم جدید که در نهایت ایده‌های موجود را پالایش و جایگزین می‌کند، مورد تجدید نظر و بسط قرار می‌گیرند.

در این پژوهش با تلفیق نظریه‌های گذشته برای تحلیل نقش توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران، مدلی را براساس نقش توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی ارائه کرده‌ایم. عوامل و مولفه‌های متعددی بر نابرابری اجتماعی تاثیرگذار هستند. بعضی بطور مستقیم و بعضی غیرمستقیم موجب افزایش نابرابری اجتماعی و یا کاهش آن می‌شوند. قدر مسلم آن است که به دلیل تفاوت در استعداد و توانایی‌های فردی هیچ‌گاه نابرابری اجتماعی از بین نخواهد رفت. چرا که ابعاد و پیچیدگی‌های بسیاری دارد و زمانی که به مطالعه در حوزه نابرابری اجتماعی مراجعه می‌شود، گویی این پیچیدگی دو چندان می‌شود. به همین دلیل ما در بررسی خود در مورد کاهش یا افزایش نابرابری اجتماعی سخن به میان خواهیم آورد.

پرسش ها و فرضیه های تحقیق

پرسش اصلی در این پژوهش این است که آیا کارکرد توسعه اقتصادی در تهران بر میزان نابرابری اجتماعی اثرگذار است یا خیر؟ بر این اساس فرضیه اصلی تحقیق به شکل زیر مطرح خواهد شد:

هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، میزان نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران کمتر می شود. بر پایه سایر پرسشهای مرتبط می توان دو فرضیه فرعی را نیز در این تحقیق مورد آزمون قرار داد:

۱. هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، اختلاف درآمد سرانه بین افراد، در کلان شهر تهران کمتر می شود.
۲. هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی برای افراد در کلان شهر تهران بیشتر می شود.

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به سازه اصلی، تعاریف، اهداف و سوالهای تحقیق لازم است از روشهای اسنادی و آماری استفاده شود. تحقیق حاضر با استفاده از دادههای ثانویه و رسمی به انجام رسیده است. سطوح تحلیل در سطح ترکیبی است و واحد تحلیل مناطق بیست و دو گانه شهر تهران است. دوره زمانی مورد مطالعه در دو مقطع سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ می باشد. در آزمون فرضیهها از آزمون همبستگی پیرسون^۱ و اسپیرمن^۲ استفاده شده است. در این پژوهش دادههای مربوط به کلان شهر تهران از منابع آمار رسمی واقع در مرکز آمار ایران و سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران و معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و سایر مراکز تهران فراهم شده است.

با توجه به هدف و ویژگیهای پژوهش مورد نظر، جامعه آماری و قلمرو پژوهش به صورت زیر می باشد. در هر جامعه آماری، آمار و اطلاعات یا به صورت ثبتي تولید می شود یا از طریق آمارگیریها به دست می آیند. تولید آمار، باید هدفمند بوده و با رعایت روشها و استانداردهای علمی صورت پذیرد. در نظام آماری مطلوب، اطلاع رسانی آماری به سهولت و در سطحی وسیع صورت گرفته، و به گونه ای طراحی می شود که متناسب با ویژگیهای ذکر شده بوده و در آن روابط بین ارکان نظام و نیز ضوابط درون ارکان نظام به خوبی تعریف شده باشد. مطالعات و بررسیهای این تحقیق از حیث مکانی شهر تهران و محدوده قانونی و استحفاظی مناطق بیست و دو گانه شهرداری است. کلان شهر تهران، پایتخت ۲۲۰ ساله کشور در دامنه جنوبی رشته کوههای البرز با حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت است که با حریم آن در حدود دو هزار کیلومتر مربع مساحت و ۸ میلیون نفر (به همراه شهرهای اقماری آن قریب ۱۲ میلیون نفر) جمعیت دارد که قریب به ۱۲ درصد جمعیت کل کشور را شامل می شود (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۰: ۱).

با توجه به ماهیت و روش تحقیق، دادههای استخراج شده از دادههای آماری وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نابرابری در توزیع درآمد نیز توسط ضریب جینی محاسبه گردید.

ویژگی های اقتصادی

تهران بزرگترین محل تمرکز کلیه اشکال فعالیت اقتصادی کشور است. برای یافتن ریشههای تمرکز اقتصادی در تهران، باید به گذشته و زمان انتخاب این شهر به عنوان پایتخت بازگردیم. تحولات دیگری که به این انتخاب اهمیت ویژه ای بخشید عبارتند از: ورود ایران به بازار جهانی که در اثر آن تهران نقش واسطه و پل بین کشور و جهان خارج را به عهده گرفت.

تشکیل یک بازار ملی و وحدت فضای ملی که در آن مرکزیت تهران به این شهر امکان داد تا سرمایه و نیروی کار را از اطراف و اکناف کشور به خود جلب کند. حرکت به سوی تمرکز قدرت سیاسی که به تهران قدرت بیشتری در عرصه ملی بخشید. اتکای فزاینده به درآمد نفت که تصمیم گیری در مورد مهم ترین بخش اقتصاد را در دستان افراد قلیلی متمرکز ساخت که به طور روزافزون

¹ Pearson

² Spearman

در تهران استقرار می‌یافتند. سیطره نفت در ایران به دولت در اقتصاد ملی نقش نیرومند بخشیده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۸۵). انحصار تولید و صدور نفت که ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور متکی به آن است و توزیع این منابع، ضامن حضور پر قدرت دولت در عرصه اقتصاد بوده است و حتی پس از انقلاب ۱۳۵۷، که این حضور را به چالش گرفته بود.

نقش حساس دولت در عرصه اقتصاد، مقر دولت، یعنی تهران، را به محل تمرکز فعالیت اقتصادی و بزرگ‌ترین بازار کشور بدل کرده است. رابطه بین رشد تهران از یک سو و تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در آن از سوی دیگر، امری وسیعاً شناخته شده است. در سال ۱۳۷۰ شمسی استان دارای جمعیتی بالغ بر ۹/۹۸ میلیون نفر یا به عبارت دیگر ۱۸ درصد جمعیت کشور بود. با این وصف، تهران بیشترین سهم اشتغال در صنعت و خدمات را دارد (همان: ۸۶). در سال ۱۳۷۰ میزان بیکاری در تهران ۶/۶ درصد بود که از رقم ۱۰/۴ درصد میزان بیکاری مناطق شهری در همان سال و رقم ۱۲/۱ درصد کل مناطق روستایی به مراتب کمتر بود. این ارقام در مقایسه با میزان بیکاری شهر تهران در بحبوحه انقلاب یعنی سال‌های ۱۳۵۸ و ۵۹ و اوج جنگ، یعنی سال‌های ۱۳۶۴ و ۶۵، بیانگر بهبودی آشکار است (همان: ۸۷). در سال ۱۳۶۵ از مجموع ۱/۳ میلیون شرکت‌های ایران، ۰/۲۱ در تهران مستقر بودند. بخش اعظم (۴/۵ درصد) این شرکت‌ها به فعالیت‌های عمده فروشی یا خرده فروشی مشغول بوده‌اند و بقیه در صنایع تولیدی (۲۴/۲ درصد) و خدمات (۱۷/۶ درصد) فعالیت داشته‌اند (همان: ۸۹). ملی کردن شرکت‌های خصوصی به دست دولت انقلاب و بروز جنگ منجر به رشد بخش دولتی به ویژه در تهران گردید. در حالی که در سال ۱۳۵۵، ۳۹/۲ درصد تهرانی‌ها در بخش دولتی شاغل بودند. این رقم رشد کرد و در سال ۱۳۷۰ به ۴۷/۱ درصد افزایش یافت (همان: ۹۱). با وجود اتخاذ سیاست‌های گوناگون به منظور جلوگیری از تمرکز بیشتر فعالیت‌های صنعتی در تهران، در سال ۱۳۷۳، مجوز تاسیس صنایع جدید در استان تهران یعنی ۲۴ درصد کل مجوزهای صادره در سراسر کشور صادر گردید در سال ۱۳۷۲، حدود ۳۲۲ میلیارد ریال در واحدهای بزرگ صنعتی در تهران سرمایه‌گذاری شده که معادل یک چهارم سرمایه‌گذاری در کل واحدهای مزبور است (همان: ۹۵). در یک نظر سنجی که در سال ۱۳۷۴ به عمل آمد معلوم شد که از نظر تهرانی‌ها، تورم و هزینه بالای زندگی مهم‌ترین مشکل شهر است (همان: ۹۸).

ویژگی‌های اجتماعی

برای بررسی وضعیت اجتماعی شهر تهران چند شاخص از جمله سواد، بیکاری و اشتغال را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به ساختار جنسی و سنی جمعیت با سواد طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۰ می‌توان گفت که تعداد مردان با سواد در هر یک از دوره‌های سرشماری بیش از تعداد زنان بوده است. مهاجرت مردان با سواد به شهر تهران، فزونی تعداد مردان بالای ۶ سال نسبت به زنان و کم توجهی خانواده‌های کم درآمد و محروم به ضرورت آموزش زنان لازم‌التعلیم را از عمده دلایل این نابرابری می‌توان ذکر کرد. هم چنین طی سال‌های مذکور همواره دو گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله و ۱۵-۱۹ ساله بیشترین تعداد از جمعیت با سواد را به خود اختصاص داده‌اند که تعداد مردان با سواد در این دو گروه نیز بیش از زنان بوده است (موسایی، ۱۳۸۵: ۴۵۸). نگاهی به توزیع جمعیت با سواد در مقاطع مختلف تحصیلی طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ بیانگر این واقعیت است که دوره ابتدایی به لحاظ اهمیت و جایگاه خاص خود به عنوان دوره تحصیلی پایه و ضرورت خواندن و نوشتن و درک مفاهیم اولیه برای عموم مردم و نیز دوره متوسط به دلیل روح فرهنگ مدارک گرایی، ادامه تحصیل در دوره‌های عالی با انگیزه دسترسی به اشتغال و اشتغال در زمینه‌های مناسب و دلخواه، تعداد باسوادان بسیاری را به سوی خود جلب کرده است که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسعه مطلوبی یافته است (همان: ۴۵۹).

از طرفی فزونی جمعیت باسواد در دوره متوسطه پس از دوره ابتدایی دلیلی بر اهمیت اخذ مدرک دیپلم جهت دسترسی آسان به اشتغال و هم‌چنین اشتغال در زمینه‌های مورد علاقه و یا فراهم شدن امکان تحصیل در دوره‌های عالی است. در مجموع، مقاطع تحصیلی را براساس تعداد باسوادان به صورت نزولی (از بیشترین به کمترین) به ترتیب رتبه‌بندی می‌کنند.

مفاهیم و شاخص‌های مربوط به متغیرهای تحقیق مستقل

تعریف توسعه اقتصادی

توسعه مفهومی بسیار گسترده است که ابعاد مختلفی از زندگی بشر را همچون اقتصادی، اجتماعی و .. شامل می‌گردد. هدف نهایی توسعه، بهبود سطح کیفی زندگی انسان‌هاست تا حدی که آنها بتوانند در امنیت و آرامش زندگی کنند و از زندگی فردی و اجتماعی خود لذت ببرند (نوابخش، ۱۳۹۲).

توسعه: در معنای اخلاقی یا زیستی، به معنای گسترش، شکوفایی، بسط و رشد است: از دیدگاه اجتماعی رشدی هماهنگ، همبسته، موزون در همه ابعاد مادی، روانی و معنوی است. پس تفاوت توسعه با رشد در گستردگی معنای آن است. در حالی که رشد به معنای بسط زیربنای اقتصادی است، توسعه نه تنها متضمن رشد، بلکه مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به صورتی هماهنگ شکوفا شوند؛ تنها رشد مادی به گستردگی فنون نینجامد، بلکه رشد مادی در خدمت انسان، تعالی و رفاه وی باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۰۴). توسعه اقتصادی فرایندی است که در آن یک سری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد (روزبهان، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۲).

به نظر میرسد، توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن درآمد سرانه حقیقی یک کشور در یک دوره زمانی بلند مدت افزایش یابد؛ مشروط بر این که تعداد افراد زیر خط مطلق فقر، افزوده و توزیع درآمد، بدتر نشود. از نظر چنری، توسعه اقتصادی، به مثابه مجموعه تغییرات مرتبط با هم، در ساختار اقتصادی است که برای رشد مداوم لازم است؛ اگرچه رشد اقتصادی به معنی افزایش درآمد سرانه (به قیمت ثابت) است و درآمد سرانه زمانی افزایش می‌یابد که مجموع ارزش افزوده، همه کالاها و خدمات تولیدی در کشور افزایش پیدا کند (بهشتی، ۱۳۸۲: ۴).

شاخص‌های توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی با استفاده از دو شاخص مورد بررسی قرار گرفت. باید در انتخاب شاخص‌ها به نکات زیر توجه کرد:

- ۱- داده‌ها و ستانده‌ها نباید با هم ترکیب شوند، زیرا ستانده‌ها نتیجه ترکیب بهینه داده‌ها است.
- ۲- باید دقت کرد تا شاخص‌های توسعه مثبت با شاخص‌های توسعه منفی ترکیب نشوند. بنابراین باید شاخص‌های منفی را به شاخص‌های مثبت تبدیل کرد تا امکان ترکیب شاخص‌ها فراهم شود. روش ساده برای تبدیل این گونه شاخص‌ها به کارگیری عمل متقابل (معکوس کردن شاخص) می‌باشد.
- ۳- از انتخاب شاخص‌های مربوط به طبیعت مناطق باید جدا پرهیز کرد. بنابراین متغیرهایی نظیر میزان بارندگی، سطح جنگل‌ها و به طور خلاصه شرایط اقلیمی و طبیعی در نظر گرفته نمی‌شوند.
- ۴- در بحث توسعه اصولاً انسان مطرح است و ارزیابی مقادیر و روابط مستقل از جمعیت، بهره‌مندی‌ها و نابرابری‌ها را نشان نمی‌دهد. بنابراین شاخص‌های توسعه باید مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با افراد، خانوارها یا گروه‌های اجتماعی، یعنی دارای متغیر جمعیتی باشند.

بنابراین شاخص‌های توسعه اقتصادی و ابعاد آن با توجه به تعریف نظری و رعایت نکات بالا در تعیین شاخص‌ها به شرح زیر است:

- ۱- میزان درآمد سرانه واقعی
- ۲- تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی.

نابرابری اجتماعی

نابرابری اجتماعی همیشه مبتنی بر نظام قشربندی اجتماعی است که به نوبه خود با پدیده‌های اجتماعی طبقه، تفکیک اجتماعی، سلسله مراتب و تقسیم کار مرتبط است. نابرابری اجتماعی به معنای کلی «به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند». از آنجا که جایگاه افراد بر نحوه زندگی آن‌ها و خاصه بر «حقوق»،

«فرصت‌ها»، «پاداش‌ها» و «امتیازاتی» که از آن برخوردارند، تاثیر می‌گذارد پس می‌توان گفت که نابرابری اجتماعی دلالت‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز دارد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۳۹). نابرابری اجتماعی، شامل شرایطی است که در آن اعضاء مختلف یک جامعه درآمدشان، امکانات و فرصت‌های متفاوتی دارند. نابرابری اجتماعی در همه جوامع دیده شده است و حتی بعضی از جوامع حیوانی نیز دارای آن هستند، از این روست که اندیشه متفکران را از آغاز تاریخ به خود مشغول داشته است.

یافته های توصیفی

برای سنجش درجه توسعه یافتگی اقتصادی کلان‌شهر تهران و ابعاد آن برای سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ از ۱۷ شاخص استفاده شد. سپس با ترکیب درجه توسعه یافتگی این دو سال و احتساب میانگین آن‌ها درجه توسعه یافتگی کلان‌شهر تهران در سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ بدست آمد. جدول ۴-۱، ۱۷ شاخص ابعاد توسعه اقتصادی را در سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ نشان می‌دهد، که پس از استانداردسازی شاخص‌های مورد نظر CI (Composite index) یا شاخص ترکیبی هریک برای محاسبات بعدی مورد استفاده قرار گرفت.

جدول (۱): شاخص های توسعه اقتصادی در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

ابعاد توسعه اقتصادی		شاخص ها	۱۳۸۵	۱۳۹۰
توسعه بهداشت		تعداد مراکز درمانی وابسته به علوم پزشکی و خدمات درمانی	۵۱۰	۹۳۲
		تعداد پزشک عمومی شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات درمانی	۵۲۷	۷۶۳
		تعداد پزشک متخصص شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات درمانی	۱۶۲۱	۲۳۲۵
توسعه زیربنایی		طول کل بزرگراه‌ها (کیلومتر)	۳۴۹/۶۷	۴۶۷/۴۷
		پل و تقاطع غیرهمسطح (تعداد)	۱۷۲	۲۳۵
		تونل (تعداد)	۱۴	۳۰
توسعه حمل و نقل و ترابری		تعداد مسافر پروازهای بین‌المللی از فرودگاه‌های تهران (هزار نفر)	۵۰۵۴	۵۰۸۸/۴۶
		تعداد تلفن مشترکین (هزار نفر)	۴۶۹۷	۵۶۵۹/۹۱
		طول کل مسیر مترو (کیلومتر)	۱۰۷	۲۳۶
توسعه آموزش		تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران (در هر هزار نفر جمعیت)	۳۰/۱۶	۶۳/۷۴
		تعداد مراکز آموزشی	۷۰۲۱	۹۳۳۹
		درصد باسوادان بالای ۱۵ سال	۹۰/۴۴	۹۲/۹۴
شاخص های ویژه اقتصادی		نرخ مشارکت اقتصادی	۴۰/۹	۳۶
		درصد شاغلین در جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۳۵/۵	۳۱/۸
		سهم افراد شاغل در بخش خدمات عمومی	۶۲/۷	۶۲/۷
		درآمد سرانه اسمی (هزار ریال) (مناطق شهر استان تهران)	۲۴۹۵۳/۱	۵۴۰۰۲/۷۳
		درآمد سرانه حقیقی (هزار ریال) (مناطق شهری استان تهران)	۲۰۲/۰۴	۲۰۰/۶۲

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲ درجه توسعه یافتگی کلان‌شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰، ۶/۴۸ می‌باشد که نشان دهنده روند رو به رشد توسعه طی این سال‌ها می‌باشد. با توجه به جدول فوق، بیشترین درجه توسعه یافتگی در بخش توسعه حمل و نقل و ترابری و توسعه زیربنایی صورت گرفته است.

جدول (۲): سطح توسعه یافتگی کلان‌شهر تهران براساس شاخص‌های اقتصادی ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سال	توسعه آموزش	توسعه بهداشت	توسعه زیربنایی	توسعه حمل و نقل و ترابری	شاخص‌های ویژه اقتصادی	توسعه
	CI	CI	CI	CI	CI	CI
۱۳۸۵	۱/۰۳	۱/۰۲	۱/۴۷	۱/۹۳	۱/۰۱	۶/۴۶
۱۳۹۰	۱/۰۵	۱/۱۱	۱/۴۷	۱/۸۹	۱	۶/۵۲
۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱/۰۴	۱/۰۶	۱/۴۷	۱/۹۱	۱/۰۱	۶/۴۸

تاثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران / ۱۷

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳ میزان نابرابری در شاخص‌های فضای سبز و یکی از شاخص‌های فقر (خانوارهای بدون آشپزخانه) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. ولی در سایر شاخص‌ها، نابرابری اجتماعی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و بیشترین افزایش نابرابری در زمینه شاخص‌های فقر صورت گرفته است.

جدول (۳): ضرایب جینی شاخص‌های نابرابری اجتماعی ۱۳۸۵-۱۳۹۰

ضریب جینی											سال
فقر				آموزش				فضای سبز	بیکاری	درآمد	
میانگین	درصد خانوارهای بدون آشپزخانه	درصد خانوارهای بدون کامپیوتر	درصد خانوارهای بدون خودرو	میانگین	افراد با تحصیلات عالی	مردان بیسواد	زنان بیسواد				
۰/۰۷	۰/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۳۳	۱۳۸۵
۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۱۱	۰/۰۶	-	۱۳۹۰

ماخذ: محاسبات نگارنده

جدول (۴): میانگین شاخص‌های نابرابری اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

رتبه بندی	متوسط درآمد (هزار ریال)	فقر					سال
		رتبه بندی	میانگین	درصد خانوارهای بدون آشپزخانه	درصد خانوارهای بدون خودرو شخصی سبک	درصد خانوارهای بدون کامپیوتر	
۲	۱۴۰۷۶/۳۷	۱	۳۴/۶۸	۰/۹۱	۴۹/۵۶	۵۳/۵۶	۱۳۸۵
۱	۳۱۳۸۴/۹۱	۲	۲۸/۱۴	۰/۷۶ *	۴۱/۰۲ *	۴۲/۶۵ *	۱۳۹۰

ماخذ: آمارنامه شهر تهران * طرح سنجش عدالت

جدول (۵): میانگین شاخص‌های نابرابری اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ (۱۵امه)

بهداشت								رتبه بندی	درصد بیکاری	سال
رتبه بندی	میانگین	تعداد واحدهای مسکونی دارای شبکه فاضلاب (هزار واحد)	تعداد مراکز بهداشتی و درمانی	تعداد داروخانه‌ها (هزار واحد)	تعداد مراکز توانبخشی	تعداد مراکز پرتونگاری	تعداد آزمایشگاه تشخیص طبی			
۲	۵۱۹/۶۶	۲۱/۹۳	۵۱۰	۱/۲۶	۳۸۰	۳۹۱	۵۵۶	۲	۸/۱۱	۱۳۸۵
۱	۸۷۰/۴۲	۶۳/۵ *	۹۳۲	۱/۹۹	۶۷۱	۷۲۱	۸۴۴	۱	۹/۰۷	۱۳۹۰

ماخذ: آمارنامه شهر تهران * طرح سنجش عدالت

یافته‌های تبیینی و آزمون فرضیه‌ها

در این بخش ابتدا با استفاده از آزمون اسپیرمن و پیرسون آزمون فرضیه‌ها صورت گرفته و سپس با توجه به نتایج بدست آمده در مورد رابطه توسعه اقتصادی با نابرابری اجتماعی از رگرسیون خطی استفاده شده است.

آزمون فرضیه اصلی

هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، میزان نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران کمتر می‌شود.

جدول (۶): بررسی رابطه توسعه اقتصادی با نابرابری اجتماعی کلان شهر تهران

نوع آزمون همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنا داری
پیرسون	۰/۲	۰/۶۴
اسپیرمن	۰/۴۳	۰/۲۹

براساس داده های مندرج در جدول ۵ و سطح معنی داری هریک از آزمون های پیرسون و اسپیرمن، سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ بوده و در نتیجه میان توسعه یافتگی اقتصادی و نابرابری اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد و در نتیجه فرض مورد نظر رد می شود.

آزمون فرضیه های فرعی

فرضیه اول: هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، اختلاف درآمد سرانه بین افراد، در کلان شهر تهران کمتر می شود. در این فرضیه به دلیل عدم دسترسی به آمار دقیق میزان درآمد یا هزینه خانوار در مناطق مختلف کلان شهر تهران برای محاسبه و مقایسه اختلاف درآمد، امکان بررسی ارتباط توسعه اقتصادی با اختلاف درآمد سرانه حاصل نشد.

فرضیه دوم: هرچه میزان توسعه یافتگی اقتصادی بیشتر باشد، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی برای افراد در کلان شهر تهران بیشتر می شود.

جدول (۷): بررسی رابطه توسعه اقتصادی با دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی کلان شهر تهران

نوع آزمون همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنا داری
پیرسون	۰/۳۲	۰/۳۸
اسپیرمن	۰/۱۹	۰/۶

باتوجه به داده های مندرج در جدول ۶ بین توسعه اقتصادی و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی رابطه مثبتی وجود دارد (ضریب همبستگی پیرسون ۰/۳۲ و ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۱۹) ولی این ارتباط معنی دار نیست (سطح معنی داری به ترتیب ۰/۳۸ و ۰/۶) و بنابراین با افزایش سطح توسعه اقتصادی، بر میزان دسترسی افراد به خدمات بهداشتی و درمانی نیز افزوده نمی شود و از این رو فرضیه دوم رد می گردد.

نتیجه گیری

همان گونه که از نتایج پژوهش برمی آید بین توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران رابطه ای وجود ندارد و در نتیجه تمام فرضیه های تحقیق رد می شوند. به نظر می رسد نتایج بدست آمده ناشی از عوامل زیر هستند:

همان گونه که در پیشینه تحقیق نیز اشاره شد، براساس فرضیه U وارون در روند توسعه اقتصادی، توزیع درآمد ابتدا بسیار نابرابر است و تنها در مراحل بعد متعادل تر می شود. این روند به عنوان یک قانون اقتصاد مطرح شده است که توسعه اقتصادی را به پیش می برد. در اصل این عدم تعادل است که انگیزه افراد را برای بدست آوردن موقعیت های بهتر در فضای اقتصادی جامعه ترغیب نموده و باعث می شود آن ها ایده های اقتصادی جدید ارائه دهند.

متعاقب این نابرابری درآمدی به طور یقین توان افراد مختلف جامعه برای امکان تحصیل، خصوصاً تحصیلات عالی، دسترسی به امکانات رفاهی مانند خودرو شخصی، کامپیوتر و دیگر امکانات، یکسان نخواهد بود. به دلیل تفاوت و اختلاف درآمدی عده ای از افراد جامعه که توانایی بیشتری برای دست یابی به امکانات بیشتر و بهتر نسبت به دیگر افراد دارند، عده ای نیز در روند توسعه اقتصادی دچار فقر درآمدی، آموزشی و بهداشتی خواهند شد.

ولی باید توجه داشت که نابرابری درآمدی الزاماً ایجاد کننده فقر نمی باشد و ممکن است افراد جامعه علی رغم اختلاف درآمد با دیگران، در فراهم کردن مایحتاج اولیه و فردی مشکلی نداشته باشند. همان گونه که در یافته های تحقیق مشاهده می شود، تنها آمار

در زمینه شاخص‌های فقر برای هر ۲۲ منطقه کلان شهر تهران برای هر دو سال ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰، داشتن یا نداشتن خودرو شخصی، کامپیوتر و آشپزخانه بود که از بین این سه، خودرو شخصی و کامپیوتر جزو مایحتاج اولیه محسوب نمی‌شوند. به عبارت دیگر ممکن است افرادی که فاقد خودرو شخصی و کامپیوتر هستند، توان تهیه مایحتاج ابتدایی زندگی خود را داشته باشند. بنابراین بررسی‌های دقیق‌تری در این زمینه احساس می‌شود.

به دلیل مکانیزاسیون صنایع در جامعه در حال توسعه، استفاده از نیروی انسانی تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد و به دنبال آن درصد بیکاری افزایش خواهد یافت و شاید این امر یکی از مهم‌ترین دلایل تشدید فقر و نابرابری درآمندی باشد خصوصاً در جامعه‌ای مانند کلان شهر تهران که پوشش بیمه بیکاری خیلی قوی نبوده و افراد زیادی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. نکته حائز اهمیت این است که طبق یافته‌های تحقیق با وجود افزایش بیکاری در سال ۱۳۹۰ از میزان فقر کاسته شده است، البته باید توجه داشت که کاهش شاخص‌های انتخابی برای فقر، بیشتر در مناطق شمالی کلان شهر تهران می‌باشد و هنوز هم شاهد پراکنش نابرابر این شاخص‌ها هستیم. به عبارت دیگر شاخص‌هایی که در این پژوهش انتخاب شده‌اند در قشر مرفه شهر افزایش یافته‌اند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسبی در زمینه گسترش و توزیع عادلانه شاخص‌های بهداشت در کلان شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ صورت گرفته است و شاخص‌های بهداشتی تنها شاخص‌هایی بودند که با افزایش توسعه اقتصادی توزیع عادلانه آن‌ها نیز صورت گرفته بود. هم‌چنین فضای سبز شهری که نقش مهمی در سلامت افراد جامعه دارد نسبت به سال ۱۳۸۵ بهبود قابل توجهی در کلان شهر تهران داشته است و شاهد افزایش میزان فضای سبز در مناطقی از شهر هستیم که میزان تراکم جمعیت بالا و آلودگی هوای شهری هستند. این مسئله نشان دهنده توجه مسئولین به بهداشت و سلامت عمومی در سطح کلان‌شهر تهران است.

به طور کلی در بررسی تمام مسائل عنوان شده و یافته‌های پژوهش، باید گفت کلان‌شهر تهران مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی را طی می‌کند و هم‌چنان نابرابری اجتماعی در شهر به چشم می‌خورد و تا رسیدن به اهداف توسعه و کاهش نابرابری اجتماعی راه طولانی در پیش دارد.

منابع

۱. ادیبی، حسین. انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر داتزه، چاپ سوم.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: نشر کلمه، چاپ دوم.
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن». تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۴. آرون، ریمون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. (ترجمه باقر پرهام). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۵. باتومور، تی.بی (۱۳۶۷). طبقات اجتماعی در جوامع جدید. (ترجمه اکبر مجدالدین). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۶. بهشتی، محمدباقر (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تبریز.
۷. تاملین، ملوین (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، نظری و کاربردی. (ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر). تهران: انتشارات توتیا.
۸. تفضلی، فریدون (۱۳۸۵). تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر). تهران، نشر نی، چاپ پنجم.
۹. خراسانی، محمد مظلوم و عظیمی هاشمی، مژگان. تحلیل فازی رابطه توسعه اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های درآمدی در ایران. مجله تحلیل اجتماعی: نظم و نابرابری، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۹/۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۰. روزبهان، محمود (۱۳۷۱). مبانی توسعه اقتصادی. تهران، نشر مولف.
۱۱. روزه، گئی (۱۳۷۸). تغییرات اجتماعی. (ترجمه منصور وثوقی). تهران، نشر نی، چاپ نهم.
۱۲. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۵). توسعه و نابرابری. تهران، انتشارات مازیار، چاپ دوم.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی جلد اول و دوم. تهران، انتشارات کیهان.
۱۴. سالنامه آماری شهر تهران. آمارنامه شهر تهران ۱۳۹۰. تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، چاپ ۱۳۹۱.

۱۵. سایت منطقه بیست شهرداری تهران. <http://region20.tehran.ir>
۱۶. سایت منطقه بیست و دو شهرداری تهران. <http://region22.tehran.ir>
۱۷. سایت منطقه بیست و یک شهرداری تهران. <http://region21.tehran.ir>
۱۸. سایت منطقه پانزده شهرداری تهران. <http://region15.tehran.ir>
۱۹. سایت منطقه پنج شهرداری تهران. <http://region5.tehran.ir>
۲۰. سایت منطقه چهار شهرداری تهران. <http://region4.tehran.ir>
۲۱. سایت منطقه چهارده شهرداری تهران. <http://region14.tehran.ir>
۲۲. سایت منطقه دو شهرداری تهران. <http://region2.tehran.ir>
۲۳. سایت منطقه دوازده شهرداری تهران. <http://region12.tehran.ir>
۲۴. سایت منطقه ده شهرداری تهران. <http://region10.tehran.ir>
۲۵. سایت منطقه سه شهرداری تهران. <http://region3.tehran.ir>
۲۶. سایت منطقه سیزده شهرداری تهران. <http://region13.tehran.ir>
۲۷. سایت منطقه شانزده شهرداری تهران. <http://region16.tehran.ir>
۲۸. سایت منطقه شش شهرداری تهران. <http://region6.tehran.ir>
۲۹. سایت منطقه نوزده شهرداری تهران. <http://region19.tehran.ir>
۳۰. سایت منطقه نه شهرداری تهران. <http://region9.tehran.ir>
۳۱. سایت منطقه هجده شهرداری تهران. <http://region18.tehran.ir>
۳۲. سایت منطقه هشت شهرداری تهران. <http://region8.tehran.ir>
۳۳. سایت منطقه هفت شهرداری تهران. <http://region7.tehran.ir>
۳۴. سایت منطقه هفده شهرداری تهران. <http://region17.tehran.ir>
۳۵. سایت منطقه یازده شهرداری تهران. <http://region11.tehran.ir>
۳۶. سایت منطقه یک شهرداری تهران. <http://region1.tehran.ir>
۳۷. سبحانی، عزت الله (۱۳۷۰). مجموعه نظریه ها (کتاب توسعه).
۳۸. سیف اللهی، سیف الله (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقالات و نظرها). تهران، انتشارات پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه‌ریزی المیزان.
۳۹. سیف اللهی، سیف الله (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران (مجموعه مقاله‌ها و نظرها). تهران، موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا، چاپ دوم.
۴۰. فتحی، سروش (۱۳۹۱). تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره چهارم.
۴۱. قائمی‌زاده، محمد سلمان (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی قشربندی و تحرک اجتماعی. همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
۴۲. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳). اقتصاد، رشد و توسعه (جلد اول). تهران، نشر نی.
۴۳. کوزر، لیونیس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. (ترجمه محسن ثلاثی). تهران، انتشارات علمی، چاپ نهم.
۴۴. گرب، ادوارد ج (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر. (ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد). تهران، نشر معاصر.
۴۵. متوسلی، محمود (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی. تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴۶. مدنی پور، علی (۱۳۸۰). تهران ظهور یک کلان‌شهر. تهران، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، چاپ اول.
۴۷. مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۳). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول.
۴۸. ملک، حسن (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌ها. تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۹. ملکی زاوش، حسین (۱۳۷۰). تهران در گذرگاه تاریخ ایران. تهران، نشر اشاره، چاپ اول.
۵۰. موسایی، میثم. طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری. ۱۳۸۵.
۵۱. نوابخش، مهرداد (۱۳۹۲). ضرورت احیا سرمایه اجتماعی در توسعه فضاهای شهری. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره چهارم.
۵۲. هلک، ژاک (۱۳۷۱) "سرمایه گذاری برای آینده آموزش و پرورش"، عبدالحسین نفیسی، تهران: انتشارات مدرسه.

53. Galor O. and O. Moav. (2002). From Physical to Human Capital Accumulation: Inequality and the Process of Development.
54. Robinson S. 1976. A Note on the U Hypothesis Relating Income Inequality and Dconomic Development. The American Economic Rewiew, Vol. 66, No. 3, pp. 437-440.